

روسیه و آمریکا رقبای پیشین زمینه‌های مشارکت

افزایش همکاری‌ها با کشورهای منطقه آسیا پاسفیک می‌باشد. در حال حاضر هر یک از این دو کشور در حال پیمودن مسیری متفاوت می‌باشند. این امر بویژه در زمانی که جهان در آستانه ایجاد یک بازار جهانی برای گاز طبیعی می‌باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است.

ابتدای قرن بیستم، افزایش و کاهش نفت باکو

ابتدای قرن بیستم برای روسیه زمان توسعه چشمگیر صنعت نفت باکو بود. در سال ۱۹۰۱ تولید این منطقه ۲۲۰ هزار بشکه در روز یعنی بیش از نیمی از تولید نفت جهان بود. در عین حال همانند آمریکا نقش اصلی توسعه تولید نفت روسیه برعهده بخش خصوصی بود. گرچه در آمریکا این سرمایه از داخل کشور تأمین می‌شد اما سرمایه‌گذاران در تولید نفت روسیه علاوه بر شرکت‌های داخلی (مثل شرکت نفت برادران نوبل و شرکت نفت روسیه)، شرکت‌های خارجی مثل شرکت فرانسوی متعلق به روچیلدها و شرکت نفتی رویال داچ شل نیز بودند.

دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ برای شرکت‌های آمریکایی و اروپایی

جعفر دامن پاک

در ابتدای قرن بیستم عرضه نفت به مصرف‌کنندگان تقریباً توسط آمریکا و روسیه کنترل می‌شد اما امروزه حالت انحصاری بازار از بین رفته است. مراکز عمده صادرات نفت در خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، آمریکای جنوبی و دریای شمال ایجاد شده‌اند. اما روسیه همچنان به عنوان یک عرضه‌کننده عمده نفت به بازارهای جهانی باقی مانده است. در سال ۲۰۰۶ این کشور بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز جهان بود و از نظر تولید منابع هیدروکربنی از عربستان سعودی نیز پیشی گرفت. از طرف دیگر آمریکای طی صد سال گذشته به بزرگترین واردکننده نفت جهان تبدیل شد و بیش از نیمی از نفت مصرفی خود را از سایر کشورها وارد می‌کند.

علی‌رغم تحولات بوجود آمده، رقبای پیشین (روسیه و آمریکا) هنوز تبدیل به شرکای استراتژیک نشده‌اند. آمریکا با هدف ایجاد جایگزین برای نفت خلیج فارس به آفریقای غربی روی آورده، روسیه نیز با هدف کاهش وابستگی به بازارهای اروپایی در حال

قیمت‌های صادراتی که از سوی دولت‌های تولیدکننده نفت تعیین می‌شد بودند.

در این موقعیت دشوار بازار جهانی نفت، یک بازیگر جدید و تأثیرگذار یعنی اتحاد شوروی ظاهر شد. در سال ۱۹۶۰ شرکت ملی صادرکننده نفت Soyuznefteexport مذاکرات با شرکت انی جهت عقد قرارداد پنج ساله برای عرضه نفت به میزان روزانه ۵۰ هزار بشکه را آغاز کرد. شرایط قرارداد در آن زمان غیرمعمول بود. قیمت نفت بسیار پایین‌تر از قیمت‌های پایه بین‌المللی بود و بخشی از پرداخت‌های آن بصورت نقدی و بخشی به صورت کالا (بوئیه لوله‌های فولادی) بود. عرضه اولین محموله نفت اتحاد شوروی به ایتالیا نقطه عطفی در بازار جهانی نفت بود. آنها پایه‌گذار گفتگوی بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت بودند. علاوه بر این منبع عرضه عمده جدیدی در بازار بوجود آمد که عضو اوپک نبود. در دهه ۱۹۶۰ زمانی که هنوز امکان دسترسی شرکت‌های بین‌المللی به منابع خاورمیانه (هرچند با شرایط نامساعدتر نسبت به قبل) وجود داشت، شروع انتقال نفت از اتحاد شوروی که جزئی از غرب به شمار می‌آمد یک عامل بی‌ثبات‌کننده تلقی شد. اما چند سال بعد اتحاد شوروی به تأمین‌کننده مهم انرژی اروپا تبدیل شد.

دهه ۱۹۷۰ - جدایی مسیرهای اتحاد شوروی و ایالات متحده

دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی در تاریخ بازار جهانی نفت بود. اوپک برای اولین بار شرایط خود را به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کرد. پس از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، قیمت نفت از ۱۵ دلار (سال پایه ۲۰۰۵) به ۴۵ دلار (سال پایه ۲۰۰۵) افزایش یافت. پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران، مجدداً قیمت نفت به ۸۸ دلار (سال پایه ۲۰۰۵) افزایش یافت. طی این بحران، اتحاد شوروی عرضه نفت خود به بازارهای جهانی را به شدت افزایش داد. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ صادرات نفت و فرآورده اتحاد شوروی دو برابر شد درحالی‌که درآمدهای ناشی از آن ده برابر شده بود. توسعه ذخایر سیبری غربی و دریای شمال امکان کاهش وابستگی اروپا به خاورمیانه را فراهم نمود.

از طرف دیگر دهه ۱۹۷۰ برای ایالات متحده، زمان افزایش شدید واردات بود. در سال ۱۹۷۰ واردات این کشور حدود ۲۲ درصد مصرف آن بود اما در سال ۱۹۷۷ به ۴۷ درصد رسید که بیش از ۷۰ درصد آن از سوی کشورهای عضو اوپک تأمین می‌شد. در سال ۱۹۸۱ هزینه‌های انرژی ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور را تشکیل می‌داد درحالی‌که این رقم در ده سال قبل ۸ درصد بود.

دوره توسعه فعالیت‌های بین‌المللی بود. در سال ۱۹۲۸ مدیران شرکت‌های شل، استاندارد اوایل نیوجرسی (اکسان کنونی) و شرکت نفت انگلیس و ایران (BP کنونی) جهت همکاری‌های مشترک در زمینه‌های اکتشاف و توسعه ذخایر در مناطق عمده تولیدکننده نفت توافق کردند. بعدها استاندارد اوایل کالیفرنیا (شورون کنونی)، استاندارد اوایل نیویورک (موبیل کنونی)، شرکت نفت تگزاس (تگزاکو کنونی) و گلف اوایل نیز به آنها ملحق شدند. این اجتماع غیررسمی به نام هفت خواهران مشهور شد. طی دهه‌های بعد همکاری‌های مشترک این گروه موجب ایجاد انحصار در تولید و عرضه نفت در سطح جهان شد. در همان حال اتحاد شوروی سعی در رساندن تولید به سطوح گذشته، که به دلیل جنگ‌های داخلی و ملی‌سازی صنعت نفت در منطقه باکو کاهش یافته بود، داشت. این امر در آغاز جنگ جهانی دوم محقق شد. گرچه این موفقیت نیز با تلاش آلمان هیتلری برای کنترل میدین نفتی باکو با مشکل مواجه شد و پس از آن نیز ظرفیت تولید به مناطق مرکزی کشور منتقل گردیده بود. در نتیجه تولید نفت باکو بار دیگر به سطوح سال ۱۹۰۱ کاهش یافت.

دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ - تبدیل اتحاد شوروی به یک بازیگر جدید در بازار جهانی

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تأثیر کشورهای تولیدکننده نفت در توسعه صنعت نفت جهان افزایش یافت. توافق انریکو ماتتی - رئیس شرکت انی - با ایران نقش عمده‌ای در شروع این روند داشت. ماتتی در تلاش برای شکستن انحصار هفت خواهران، پیشنهاد جدید و سودآورتری برای همکاری با کشورهای میزبان داشت. در ابتدا در سال ۱۹۵۷، درآمد قرارداد بین انی (بعنوان سرمایه‌گذار) و ایران (بعنوان کشور میزبان) به نسبت ۲۵ به ۷۵ تقسیم شد. ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰ موقعیت و تأثیرگذاری کشورهای تولیدکننده نفت را افزایش داد. یکی از اصلی‌ترین اهداف این سازمان تغییر مبانی قیمت‌گذاری در بازار نفت بود.

تا پایان دهه ۱۹۶۰، شرکت‌های بین‌المللی نفت نقش عمده‌ای در تعیین قیمت‌های جهانی نفت داشتند. به همین دلیل قیمت‌ها به مدت طولانی از زمان تشکیل هفت خواهران تا زمان بحران نفتی ۱۹۷۳ در سطح پایینی باقی‌مانده بود. در ابتدا شرکت‌ها بیشتر سود خود را از مرحله پالایش و توزیع بدست می‌آوردند. اما اوپک وضعیت را تغییر داد. پس از آن شرکت‌ها مجبور به موافقت با

این روش در منطقه خزر موفق بود اما در روسیه انجام پروژه‌ها در چارچوب PSA هنوز کاملاً معمول نیست. طی ۱۵ سال تنها سه قرارداد خاریاگا، ساخالین ۱ و ساخالین ۲ نهایی شد. کل سرمایه‌گذاری این سه پروژه ۳۰ میلیارد دلار بود، درحالیکه تولید آنها در سال ۲۰۰۶ تنها ۱۰۰ هزار بشکه در روز بود.

اصلاحات ساختاری

بر خلاف اکثر کشورهای دارای ذخایر غنی هیدرو - کربوری، روسیه در پایان سده

گذشته الگوی بسیطی را برای توسعه بخش نفت خود بکار گرفت. پایه‌های این مدل ایجاد شرکت‌های ادغام عمودی و انتقال حق استفاده از نفت به آنها بود.

در ابتدا ۱۲ شرکت ایجاد شد. لوک اوایل (۱۹۹۱)، یوکوس و سورگات نفت گاز (۱۹۹۳)، باشنفت، TNK، سیننفت و روسنفت (۱۹۹۳)، کومی‌تک، اوناکو، سیدانکو، اسلاونفت و تاتنفت (۱۹۹۴). در فرآیند خصوصی‌سازی، برخی از این شرکت‌ها شامل یوکوس، سیدانکو، TNK، و سیننفت توسط مؤسسات مالی بزرگ خریداری و برخی دیگر مثل اسلاونفت و روسنفت در مالکیت مقامات فدرال و برخی دیگر مثل اوناکو، تات نفت و باشنفت در مالکیت مقامات محلی قرار گرفت.

شرکت سورگات نفت گاز که در کنترل مدیریت خود قرار گرفت و لوک اوایل که سهام آن در سال ۱۹۹۷ در بازارهای سهام به فروش رسید جزء استثناءها بودند. در پایان دهه ۱۹۹۰، فرآیند تمرکز سرمایه در صنعت نفت روسیه آغاز شد. این امر در ابتدا به دلیل توزیع کارای دارایی‌ها بین شرکت‌های نفتی در ابتدای تجدید ساختار بخش و سپس رشد رقابت بین این شرکت‌ها بود.

کومی‌تک بخشی از لوک اوایل شد، اوناکو و سیدانکو بخشی از TNK شدند، و TNK، سیننفت هر یک ۵۰ درصد از اسلاونفت را در اختیار گرفتند و سیننفت نیز توسط گازپروم خریداری شد. در مجموع طی ۸ سال گذشته تعداد شرکت‌های با ساختار ادغام عمودی در روسیه به عدد هشت رسید که شامل لوک اوایل، روسنفت، TNK-BP،



در دهه ۱۹۷۰ مسیر اتحاد شوروی و ایالات متحده در توسعه بخش نفت از یکدیگر جدا شد. برنامه اتحاد شوروی توسعه ظرفیت تولید و صادرات خود بود، در حالیکه هدف آمریکا دسترسی به منابع هیدروکربن در خارج از مرزهای خود بود. هر چند توسعه ذخایر آلاسکا و خلیج مکزیک امکان کاهش وابستگی به نفت وارداتی را در یک دوره برای ایالات متحده فراهم ساخت، اما شرایط را بصورت اساسی تغییر نداد.

دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ - فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

کاهش نرخ رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، سیاست صرفه‌جویی و جایگزینی انرژی از یکسو و سیاست افزایش سهم بازار اوپک (بویژه عربستان) و افزایش عرضه نفت سیبری غربی و دریای شمال از سوی دیگر منجر به کاهش قیمت‌های جهانی نفت در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ شد. دوره ۱۵ ساله کاهش قیمت‌های نفت موجب آزادسازی بخش‌های نفت و گاز در سطح جهان و ادغام‌های عظیم در صنعت نفت شد.

کاهش قیمت‌های نفت منجر به بروز نشانه‌های بحران اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت شد. در اتحاد شوروی این وضعیت با کاهش تولید بدلیل عدم سرمایه‌گذاری کافی شدت بیشتری یافت. طی دهه ساله ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ تولید روزانه نفت سیبری غربی از ۸ میلیون بشکه به ۴ میلیون بشکه کاهش یافت. بحران اقتصادی همراه با بحران سیاسی سرانجام منجر به فروپاشی اتحاد شوروی و تغییر الگوی توسعه اقتصادی در دوران پس از فروپاشی شد و برای اولین بار در صد سال گذشته سرمایه‌های بین‌المللی امکان ورود به منابع نفت و گاز سیبری و منطقه خزر را پیدا کردند.

شاید امروزه بتوان گفت که از این تغییرات بهره‌برداری کامل نشده است. در مذاکرات با کشورهای میزبان شرکت‌های بین‌المللی مجبور به عقد قراردادهای مشارکت در تولید (PSA) شدند. گرچه

با خرید ۲۰ درصد سهام لوک اویل توسط کونوکوفیلپس اعلام کردند. این همکاری‌ها در رابطه با پروژه‌های مشترک در داخل و خارج روسیه بود.

شکل جدید، ماهیت قدیم

با وجود تغییرات ساختاری سیستم مدیریت صنعت نفت روسیه در ۱۵ سال گذشته، استراتژی توسعه این بخش همچنان ثابت بوده است. اولویت سرمایه‌گذاری‌ها افزایش تولید و صادرات به اروپا بوده است. این هدف تنها در سال ۲۰۰۵ محقق شد. اخیراً روسیه به سطوح تولید و صادرات گذشته خود بازگشته است. دلیل این استراتژی این است که روسیه تا چند سال پیش سیاست ملی نفت مشخصی نداشت. یکی از دلایل این مسأله تلاش فعالان صنعت نفت روسیه طی دهه ۱۹۹۰ برای ایجاد حداکثر درآمد با حداقل هزینه بود. دلیل دیگر نیز تفکر مدیران به جای مانده از دوران اتحاد شوروی و تفکرات آنها بوده است.

با این وجود روسیه به تولید نفت بسیار بیش از نیاز خود ادامه می‌دهد و مشتری اصلی آن نیز همچنان اروپاست. درآمدهای ناشی از صادرات نیز به ندرت صرف خرید دارایی‌های نفتی در خارج از روسیه می‌گردد. این امر بدین معنی است که تغییرات صورت گرفته در روسیه پس از ۱۹۹۱ تأثیر چندانی در امنیت جهانی انرژی بطور کلی و امنیت انرژی ایالات متحده بطور بویژه نداشته است. طی ۱۵ سال اخیر وابستگی آمریکا به نفت وارداتی از ۴۰ درصد به ۶۰ درصد و سهم اوپک در کل مصرف از ۲۴ درصد به ۲۷ درصد افزایش یافت. قبل از بحران ۱۹۷۳ این رقم ۱۷ درصد بود.

روسیه می‌تواند یک عرضه‌کننده قابل اعتماد نفت به ایالات

متحده باشد اما به دلیل موضع انفعالی

واشنگتن تاکنون این امر محقق نشده

است. ایالات متحده که با حمایت

گسترده از خط لوله باکو-تفلیس-

جیحان (BTC) سعی در دوزدن روسیه

داشت، از مشارکت در پروژه خط لوله

سیبری غربی-مورمانسک که امکان

صادرات نفت روسیه به آمریکا را با

نفت کش‌های بسیار بزرگ (VLCC) فراهم می‌ساخت سرباز زده است. به جز چند استثنا، مؤسسات مالی آمریکا برای ساخت زیرساخت‌های جدید در روسیه تضمین‌های مالی لازم را ارائه نمی‌کنند. هنوز شرایط لازم برای پالایش و فروش نفت روسیه در ایالات متحده فراهم نشده است.

سورگونفت گاز، گازپروم، تات نفت، باشنفت و راسنفت بودند. اقدامات انجام شده در روسیه مطابق با تصویر عمومی توسعه بازار جهانی نفت و گاز در پایان قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم بود. کاهش قیمت‌های نفت همراه با افزایش هزینه‌های تولید موجب تلاش شرکت‌ها برای بهبود کارایی عملیاتی خود شد. سهام‌داران دولتی و اگذاری سهام به بخش خصوصی را آغاز کردند. دولت انگلیس در سال ۱۹۸۷ سهام خود در BP را به بخش خصوصی واگذار کرد. دولت فرانسه نیز سهام خود در شرکت‌های توتال و الف را طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ به فروش رساند. از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ کنترل شرکت‌های نیز به سرمایه‌گذاران خصوصی واگذار شد. سهام شرکت استات اویل نیز در سال ۲۰۰۱ در بازارهای سهام عرضه شد.

از طرف دیگر تمایل شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و تمرکز سرمایه‌ها منجر به شکل‌گیری شرکت‌های عظیمی شد. در سال ۱۹۹۹ ادغام شرکت‌های اکسان و موبیل، BP و آموکو، ریسول و YPF و توتال و الف انجام شد. در سال ۲۰۰۱ شرکت بی‌بی آموکو با آرکو ادغام شد. در سال ۲۰۰۱ شورون با تگزاکو ادغام و در سال ۲۰۰۲ کونوکو و فیلیپس با یکدیگر ادغام شدند. مجموع ارزش این معاملات حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بود.

مشارکت استراتژیک

ویژگی‌های خاص اصلاحات صنعت نفت روسیه موجب شد تا سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال راه‌های جدیدی برای دستیابی به ذخایر روسیه باشند. یکی از این روش‌ها ایجاد مشارکت‌های استراتژیک با شرکت‌های بزرگ روسی بود. اولین قدم در این راه توسط BP با خرید ۱۰ درصد سهام سیدانکو در سال ۱۹۹۷ برداشته شد. پس از ادغام سیدانکو و TNK سهام‌داران BP و TNK تصمیم به تجمیع دارایی‌های خود در روسیه و اوکراین در چارچوب یک

سرمایه‌گذاری مشترک (۵۰:۵۰) گرفتند. نمونه دیگر سرمایه‌گذاری موفق در این زمینه خرید سهام لوک اویل توسط کونوکوفیلپس بود. این امر پس از تجربه سرمایه‌گذاری مشترک دو شرکت در منطقه Timano-Pechora (ایالت نفتی بزرگ در شمال بخش اروپایی روسیه) انجام شد. در سال ۲۰۰۴ آنها آغاز همکاری‌های استراتژیک خود را

با این وجود روسیه به تولید نفت بسیار بیش از نیاز خود ادامه می‌دهد و مشتری اصلی آن نیز همچنان اروپاست. درآمدهای ناشی از صادرات نیز به ندرت صرف خرید دارایی‌های نفتی در خارج از روسیه می‌گردد.



بازگشت به شرق

مسیر توسعه صنعت نفت روسیه به تدریج به سمت منطقه آسیا پاسفیک حرکت کرده است. چند دلیل برای این امر وجود دارد. نرخ رشد مصرف نفت در ایالات متحده و اروپا کمتر از یک درصد در سال است در حالیکه این رقم برای چین و هند ۳ تا ۳/۵ درصد در سال می باشد. طبق برآورد وزارت صنعت و انرژی روسیه طی ده سال آینده میزان صادرات نفت روسیه به اروپا به ۴/۷ میلیون بشکه در روز کاهش می یابد در حالیکه در همین مدت صادرات به منطقه آسیا پاسفیک از ۰/۲ میلیون بشکه در روز به ۱/۶ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. بر همین اساس سهم نفت روسیه در مصرف کشورهای اروپایی از ۲۵ درصد به ۲۱ درصد کاهش خواهد یافت. در حالیکه همین رقم برای منطقه آسیا پاسفیک از ۱ به ۶ درصد افزایش خواهد یافت. نفت روسیه از طریق خط لوله سیبری شرقی - اقیانوس آرام و ساخالین به این کشورها صادر خواهد شد.

مشکلات سرمایه گذاری

علاوه بر عرضه هیدروکربن، همکاری بین روسیه و کشورهای منطقه آسیا پاسفیک شامل سرمایه گذاری نیز می باشد. روسیه نیاز مبرمی به منابع مالی و تکنولوژی برای نوسازی

تأسیسات تولید و پالایش نفت خود دارد که بدلیل عدم سرمایه گذاری کافی در نگهداری و روزآمد ساختن آنها با مشکل مواجه می باشند. علاوه بر این روسیه علاقه مند به توسعه مناطق جدید تولید نفت خود شامل Timona-Pechora، سیری شرقی، شرق دور و جزایر آن ناحیه می باشد.

از طرفی به دلیل رشد استفاده از خودرو، گسترش ساخت مسکن و افزایش مجدد تولیدات صنعتی در اقتصاد روسیه، مصرف انرژی در این کشور نیز افزایش شدیدی داشته است. برای پاسخگویی به این تقاضا و نیز حفظ موقعیت خود در بازارهای جهانی انرژی، روسیه به سرمایه گذاری سالانه ۲۰ میلیارد دلار نیاز دارد. روسیه به شرکت های هندی و چینی به عنوان شرکای قابل اعتمادی برای توسعه ذخایر نفت و گاز خود می نگرد. در تابستان ۲۰۰۶، سرمایه گذاری مشترک روسنت و شرکت سینوپک چین شرکت آدورنفت را از BP-TNK خریداری نمود. در اوایل سال ۲۰۰۷ نیز روسنت و شرکت ONGC هند (که در حال حاضر ۲۰ درصد از سهام پروژه ساخالین ۱ را در اختیار دارد) یادداشت تفاهمی جهت همکاری های مشترک در روسیه، هند و سایر کشورها امضا کردند.

امروزه شرکت های آسیایی در حال پیمودن همان مسیری

در حال حاضر سه کشور روسیه، ایران و قطر حدود ۵۶ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. ایران تحت تحریم‌های ایالات متحده در خصوص سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی قرار دارد و سرمایه‌گذاری در صنعت گاز قطر نیز محدود به پروژه‌های LNG است. انتظار می‌رود که بیشترین توجه از سوی سرمایه‌گذاران خارجی در زمینه گاز طبیعی معطوف به روسیه (با وجود شروع اصلاحات در صنعت گاز خود) شود، چرا که این کشور امکان احداث خط لوله به غرب به طرف اروپا و نیز شرق به طرف آسیا را دارا می‌باشد.

اصلاحات بازار گاز روسیه شامل آزادسازی سهام گازپروم، حذف یارانه به مصرف‌کنندگان داخلی و کشورهای عضو جامعه مستقل مشترک المنافع (جمهوری‌های تازه استقلال یافته) و ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاران استراتژیک جهت توسعه میداین گاز واقع در نقاط دور روسیه مثل سیبری شرقی می‌باشد. این اصلاحات تنها پس از تکمیل مدیریت گازپروم بر تمامی دارایی‌های گاز کشور و کنترل دولت بر سهام گازپروم محقق شد.

بسیاری از مالکان ذخایر گازی همراه و غیر همراه مایل به استفاده از سیستم‌های انتقال گاز موجود هستند. در حال حاضر تولیدکنندگان مستقل (با اجازه گازپروم) تنها می‌توانند گاز خود را به بازارهای داخلی عرضه نمایند. گرچه با وجود افزایش کمبود گاز در داخل روسیه توانایی آنها برای عرضه گاز به مصرف‌کنندگان روسی افزایش یافته است. در عین حال دولت (از طریق گازپروم) صادرات گاز را به دقت کنترل می‌کند.

مسیر صادرات گاز روسیه از میداین جدید تاکنون مشخص نشده است. تنها یک واحد LNG در جنوب جزیره ساخالین در دست ساخت می‌باشد. گرچه گازپروم برنامه ساخت سه واحد جدید در سواحل دریای بالتیک و دریای بارتز در شبه جزیره یامال را اعلام کرده است. خطوط لوله جدید مثل مرحله دوم خط لوله Blue Stream (از دریای سیاه به ترکیه) و خط لوله Nord Stream (از بستر دریای بالتیک) از نظر اقتصادی و ژئوپلیتیک برای روسیه توجیه‌پذیر هستند. علاوه بر این افزایش همکاری‌های انرژی شرق-غرب منجر به تأکید بیشتر بر عوامل اقتصادی به جای عوامل ژئوپلیتیک خواهد شد. تکمیل این پروژه‌ها و انجام صادرات بیشتر روسیه نه تنها به شرکت‌های سرمایه‌گذار بلکه به تمایلات سیاسی کشورهای مصرف‌کننده بستگی خواهد داشت.

ماخذ در دفتر نشر به موجود است.

هستند که شرکت‌انی نیم قرن پیش پیموده بود. آنها به کشورهای تولیدکننده (شامل روسیه) پیشنهادهایی ارائه می‌کنند که شرایط سودآورتری نسبت به قراردادهای کنونی برای این کشورها دارد. در عین حال شرکت‌های بزرگ و جهانی خدماتی و ارائه‌کنندگان عمده تکنولوژی به بسیاری از شرکت‌های روسی می‌باشند. اما این امر به معنی چرخش روسیه به طرف همکاری با شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت نیست. گرچه سرانجام این شرکت‌ها مجبور به ورود در این بازار با شرایط جدید خواهند بود. این فرآیند دقیقاً مشابه نمونه‌ای است که پس از اولین قرارداد ماتی با ایران اتفاق افتاد.

قواعد جدید بازی

شرایط جدید فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در صنعت نفت روسیه مشخص شده است و به آنها اجازه مالکیت سهام در شرکت‌های روسی داده شده، اما میزان سهام در اختیار یک سرمایه‌گذار محدود می‌باشد. این فرمول برای اولین بار در زمان عرضه عمومی سهام شرکت روسنفت در تابستان ۲۰۰۶ اجرا شد. ۱۵ درصد سهام این شرکت دولتی در بازارهای بورس مسکو و لندن عرضه شد و به هیچ سرمایه‌گذار منفردی اجازه مالکیت بیش از ۲ درصد سهام شرکت داده نشد. شرکت‌های عمده سرمایه‌گذار در سهام روسنفت عبارتند از BP، پتروناس مالزی و CNPC چین. همچنین به شرکت‌های خارجی اجازه مشارکت با شرکت‌های روسی در پروژه‌های عمده تولیدی داده شده است؛ مشروط بر آنکه مالکیت سهام خارجی کمتر از ۵۰ درصد باشد. در صورت مشارکت با یک شرکت دولتی، حداقل ۵۱ درصد سهام مشارکت متعلق به آن خواهد بود. با وجود شرایط جدید ممکن است روسیه برای تولیدکنندگان مستقل خارجی جذاب نباشد اما در عین حال شاید فرصت‌های جدید برای شرکت‌های بین‌المللی و حتی شرکت‌های ملی نفت ایجاد شود.

دیپلماسی گاز

پروژه‌های گاز روسیه بیشترین جذابیت را برای سرمایه‌گذاران خارجی دارد. قرن حاضر قرن گاز طبیعی است. طبق برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، مصرف انرژی روسیه طی ۲۵ سال آینده ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. سهم گاز طبیعی در سبد مصرفی انرژی جهانی نیز به ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت.